

نیازهای اعضای هیأت علمی به منابع اطلاعاتی در دانشگاه‌های علوم پزشکی^۱

میترا قیاسی^۲

چکیده: از میان ۲۴۶۳ نفر اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران، تهران، و شهید بهشتی به‌طور تصادفی ۴۳۴ نفر انتخاب شدند و برای آنها پرسشنامه‌ای ارسال شد که ۲۹۲ پرسشنامه برگشت شد. مجرای کسب اطلاعات اعضای هیأت علمی - دانشگاه علوم پزشکی (۹۰ درصد)، علوم پزشکی تهران (۸۲ درصد)، و علوم پزشکی ایران (۷۴ درصد) کتابخانه است. اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران و شهید بهشتی منابع اطلاعاتی را بیشتر برای تدریس و اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران بیشتر برای تحقیق نیاز دارند. در هر سه دانشگاه کتاب ۹۰ درصد و مقاله ۸۷ درصد نیازها را برطرف می‌کند. اعضای هیأت علمی هر سه دانشگاه نیز با تشکیل مرکزی واحد برای گردآوری اطلاعات پزشکی موافقتند.

بیان مسئله

در حال حاضر امکانات اطلاع‌رسانی روز به روز در حال گسترش کمی و کیفی است. این واقعیت سبب شده است که رفتارهای اطلاع‌یابی افراد مراجعه‌کننده به مراکز اطلاع‌رسانی دستخوش تحول گردد. منابع اطلاعاتی نیز از نظر نوع و شکل ظاهری متفاوت شده‌اند و شامل اشکال سنتی چاپی و انواع پیشرفته غیرچاپی شده‌اند که افراد بنابر نوع نیاز اطلاعاتی خود از آنها

۱. برگرفته از: میترا قیاسی "بررسی نیاز اعضای هیأت علمی به منابع اطلاعاتی در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران، تهران و شهید بهشتی" به راهنمایی دکتر عباس حری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۴.

۲. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی

بهره می‌برند.

قدمت ارزیابی رفتارهای اطلاع‌یابی به سال ۱۹۲۰ و ارزیابی نیازهای اطلاعاتی به ۱۹۵۰ باز می‌گردد و تاکنون نیز ادامه یافته است. از جمله می‌توان به تحقیقاتی اشاره کرد که لزوم انجام آنها در هر کتابخانه‌ای احساس می‌شود؛ زیرا "از جمله وظایف مهم کتابدار انتخاب و تهیه مواد کتابخانه است به گونه‌ای که بتواند برای هر یک از مراجعان به کتابخانه مفید و ارزشمند باشد..."^(۱) و این امر جز از طریق تحقیق کتابدار در مورد نیازهای مراجعان میسر نیست.

در همه بررسی‌های مربوط به نیازهای اطلاعاتی بخشی را به این امر اختصاص داده‌اند که اطلاعات مورد نیاز مراجعان به کتابخانه در چه نوع منابعی گردآمده است. زیرا با گسترش روزافزون اطلاعات؛ نوع ارائه و شکل ظاهری ارائه این اطلاعات نیز در حال تحول است. همپای این امر حجم اطلاعاتی که در آن واحد می‌تواند در اختیار یک محقق یا مراجعه‌کننده به کتابخانه قرار گیرد نیز افزایش یافته است. به همین دلیل، شاید بهتر باشد جایگاهی ویژه به تحقیق درباره منابع اطلاعاتی اختصاص یابد و از حوزه نیازهای اطلاعاتی جدا گردد، خصوصاً اینکه در بررسی‌های انجام شده در مورد نیازهای اطلاعاتی نشان داده شده است که افراد در گروه‌های مختلف علمی برای استفاده از اطلاعات مورد نیاز خود شکل خاصی از منابع اطلاعاتی را مورد استفاده قرار می‌دهند و قسمت اعظم این گونه تحقیقات به کشف نوع منابع اطلاعاتی اختصاص دارد. به همین لحاظ در پژوهش حاضر نیاز اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، تهران، و شهید بهشتی به منابع اطلاعاتی مورد بررسی قرار گرفته است.

جامعه آماری و شیوه گردآوری اطلاعات

جامعه آماری این پژوهش را اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، تهران، و شهید بهشتی که رشته تخصصی ایشان یکی از پنج گروه علوم پزشکی است تشکیل می‌دهند. این پنج گروه عبارتند از: (۱) گروه علوم پایه، شامل: کالبدشناسی، فیزیولوژی، بیوشیمی و تغذیه، داروشناسی، ایمنی‌شناسی و میکروبی‌شناسی، انگل‌شناسی، باکتری‌شناسی، قارچ‌شناسی، پاتولوژی و سرطان؛ (۲) گروه پزشکی، شامل: بیماری‌های عفونی، دستگاه عضله و استخوان، دستگاه تنفس، دستگاه قلب و عروق، دستگاه ادراری و تناسلی، دستگاه غدد، دستگاه مغز و اعصاب، دستگاه گوارش، جراحی و بیهوشی، زنان و زایمان، کودکان، گوش و حلق و بینی، چشم‌پزشکی، روان‌پزشکی؛ (۳) گروه پیراپزشکی، شامل:

خون‌شناسی، علوم آزمایشگاهی، رادیولوژی، رادیوتراپی، ارتوپدی، فیزیوتراپی، مدارک پزشکی، پرستاری و مامایی، بهداشت؛ (۴) گروه دندانپزشکی؛ و (۵) گروه داروسازی.

تعداد کل اعضای هیأت علمی سه دانشگاه علوم پزشکی مذکور که با شرایط فوق‌الذکر مطابقت داشتند ۲۴۶۳ نفر بود (علوم پزشکی ایران ۶۰۶ نفر، علوم پزشکی تهران ۱۰۵۱ نفر و علوم پزشکی شهید بهشتی ۸۰۶ نفر) که از این تعداد به‌طور تصادفی ۴۳۴ نفر (علوم پزشکی ایران ۱۱۷ نفر، علوم پزشکی تهران ۱۷۲ نفر و علوم پزشکی شهید بهشتی ۱۴۵ نفر) برای پاسخگویی به پرسشنامه‌های از پیش تهیه شده انتخاب گردیدند.

گردآوری اطلاعات از طریق توزیع پرسشنامه انجام پذیرفت، که از مجموع ۴۳۴ پرسشنامه توزیع شده تعداد ۲۹۲ پرسشنامه یعنی معادل ۶۷/۲۸ درصد جمع‌آوری گردید (علوم پزشکی ایران ۷۱، علوم پزشکی تهران ۱۰۶ و علوم پزشکی شهید بهشتی ۱۱۵ پرسشنامه). در تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابتدا داده‌ها در جداول و نمودارهای مربوط درج گردید که در هر جدول و نمودار اطلاعات مربوط به هر سه دانشگاه در مقایسه با یکدیگر نشان داده شده است.

پرسش‌های اساسی پژوهش

۱. اعضای هیأت علمی به کدام یک از منابع اطلاعاتی بیشتر نیاز دارند؟
۲. نیاز اعضای هیأت علمی به منابع اطلاعاتی به چه منظوری است؟
۳. مجراهای دستیابی اعضای هیأت علمی به منابع اطلاعاتی کدام است؟
۴. مناسب‌ترین مجراهای دستیابی به منابع اطلاعاتی چیست؟
۵. آیا منابع و مراکز اطلاعاتی موجود نیاز اعضای هیأت علمی را به منابع اطلاعاتی مرتفع می‌سازد؟

در ادامه، ضمن مطرح کردن هر پرسش، پاسخ‌های به دست آمده از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها با نمایش جداول و نمودارهای مربوط آورده شده است.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

۱. پرسش اعضای هیأت علمی به کدام یک از منابع اطلاعاتی بیشتر نیاز دارند؟ همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد در دانشگاه علوم پزشکی ایران نیاز اعضای هیأت علمی به منابع اطلاعاتی به ترتیب اولویت عبارت است از: کتاب (۹۳ درصد)، مقاله (۹۰ درصد) گزارش‌های تحقیقات خارجی (۸۴/۵ درصد)، نرم افزارهای رایانه‌ای مانند مدلاین (۸۳

درصد)، گزارش‌های تحقیقات داخلی (۵/۵۳ درصد)، پایان‌نامه (۳۷ درصد)، فیلم (۳۴ درصد)، آمارنامه‌ها و نوارهای صوتی (۳۲ درصد)، دورنویس، تلکس، پست الکترونیکی و سایر امکانات نوین مخابراتی (۳۰ درصد)، میکروفرم‌ها (۲۱ درصد). در دانشگاه علوم پزشکی تهران ترتیب اولویت نیاز به منابع اطلاعاتی به این شرح است: کتاب (۸۹ درصد)، گزارش‌های تحقیقات خارجی (۸۶ درصد)، مقاله (۸۴ درصد)، نرم‌افزارهای رایانه‌ای مثل مدلاین (۷۱ درصد)، گزارش‌های تحقیقات داخلی (۶۱ درصد)، پایان‌نامه (۴۹ درصد)، فیلم (۴۲ درصد)، آمارنامه و فاکس، تلکس، و پست الکترونیکی و سایر امکانات نوین مخابراتی (۴۱ درصد)، نوارهای صوتی (۲۹ درصد)، میکروفرم‌ها (۲۵ درصد)، سایر (۱۴ درصد)^(۲). در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی ترتیب اولویت نیاز اعضای هیأت علمی به منابع اطلاعاتی به این قرار است: مقاله (۹۱ درصد)، کتاب (۸۹ درصد)، گزارش‌های تحقیقات خارجی (۷۳ درصد)، فیلم (۴۶ درصد)، گزارش تحقیقات داخلی (۴۴ درصد)، پایان‌نامه (۴۰ درصد)، فاکس، تلکس، پست الکترونیکی و سایر امکانات نوین مخابراتی (۵/۳۶ درصد)، نوارهای صوتی (۳۱ درصد)، میکروفرم‌ها (۳۰ درصد)، آمارنامه (۲۳ درصد)، سایر (۸ درصد)^(۳).

جدول ۱ همچنین نشان می‌دهد که ترتیب اولویت نیاز اعضای هیأت علمی سه دانشگاه به منابع اطلاعاتی عبارت است از: آمارنامه‌ها در دانشگاه علوم پزشکی تهران (۴۱ درصد) بیشتر مورد نیازند و سپس به ترتیب دانشگاه علوم پزشکی ایران (۳۲ درصد) و دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (۲۳ درصد) قرار دارند. به پایان‌نامه‌ها در دانشگاه علوم پزشکی تهران (۴۹ درصد) نیاز بیشتری دارند و سپس به ترتیب دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (۴۰ درصد)، ایران (۳۷ درصد) قرار می‌گیرند. کتاب در دانشگاه علوم پزشکی ایران (۹۳ درصد) بیشتر مورد نیاز است و در درجه دوم دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران و شهید بهشتی (۸۹ درصد) قرار دارند. فاکس، تلکس، پست الکترونیکی و سایر امکانات نوین مخابراتی بالاترین درصد نیاز را در دانشگاه علوم پزشکی تهران (۴۱ درصد) دارند و سپس به ترتیب دانشگاه‌های علوم پزشکی شهید بهشتی (۵/۳۶ درصد) و ایران (۳۰ درصد) قرار دارند. فیلم با ۴۶ درصد در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بیشتر مورد نیاز است و بعد نیاز به این منبع به ترتیب در دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران (۴۲ درصد) و ایران (۳۴ درصد) قرار دارند. گزارش‌های تحقیقات خارجی در علوم پزشکی تهران (۸۶ درصد) از درصد بالاتری نسبت به دو دانشگاه علوم پزشکی ایران (۵/۸۴ درصد) و شهید بهشتی (۷۳ درصد) برخوردار است. گزارش‌های تحقیقات داخلی در دانشگاه علوم پزشکی تهران (۶۱ درصد) بیشتر مورد نیاز است و سپس به ترتیب دانشگاه‌های علوم

پزشکی ایران (۵۳/۵ درصد) و شهید بهشتی (۴۴ درصد) قرار می‌گیرند. نیاز به مقاله در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (۹۱ درصد) بیشتر از دو دانشگاه دیگر یعنی علوم پزشکی ایران (۹۰ درصد) و تهران (۸۴ درصد) می‌باشد. میکروفرم‌ها بیشتر در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی مورد نیاز هستند (۳۰ درصد)، و بعد به ترتیب در دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران (۲۵ درصد) و ایران (۲۱ درصد) مورد نیازند. نرم‌افزارهای رایانه‌ای مثل مدلاین در دانشگاه علوم پزشکی ایران بیشتر مورد نیاز است (۸۳ درصد)، و سپس دانشگاه‌های علوم پزشکی شهید بهشتی (۸۲ درصد) و تهران (۷۱ درصد) قرار دارند. نیاز به نوارهای صوتی (۷۹ درصد) در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بیشتر است و دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران (۷۵ درصد) و ایران (۴۸ درصد) در درجات بعدی قرار دارند. ستون سایر در دانشگاه علوم پزشکی ایران صفر است و در دانشگاه علوم پزشکی تهران ۱۴ درصد و شهید بهشتی ۸ درصد نیاز را نشان می‌دهد.

جدول ۱ نشان می‌دهد که ترتیب اولویت نیاز اعضای هیأت علمی سه دانشگاه در کل به این ترتیب است: کتاب (۹۰ درصد)، مقاله (۸۷ درصد)، نرم‌افزارهای رایانه‌ای مثل مدلاین (۷۸ درصد)، گزارش‌های تحقیقات خارجی (۵۷ درصد)، گزارش‌های تحقیقات داخلی (۵۳ درصد).

جدول ۲. توزیع فراوانی نسبت درصد نوع نیاز اعضای هیأت علمی به منابع اطلاعاتی

در سه دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، و شهید بهشتی

رشته	نوع نیاز		تحقیق		تدریس		کسب اطلاعات جاری		کار روزمره		سایر	
	تعداد	نسبت (درصد)	تعداد	نسبت (درصد)	تعداد	نسبت (درصد)	تعداد	نسبت (درصد)	تعداد	نسبت (درصد)	تعداد	نسبت (درصد)
علوم پزشکی ایران	۴۶	۶۵	۳۹	۵۵	۳۸	۵۳/۵	۲۲	۳۱	۰	۰	۰	۰
علوم پزشکی تهران	۸۱	۷۶	۶۹	۳۷	۳۴	۳۲	۲۰	۱۹	۱	۱	۱	۱
علوم پزشکی شهید بهشتی	۸۳	۷۲	۸۴	۷۳	۶۶	۵۷	۳۴	۳۰	۵	۴	۴	۴
جمع	۲۱۰	۷۲	۱۹۲	۶۶	۱۳۸	۴۷	۷۶	۲۶	۶	۲	۲	۲
نتیجه آزمون	$X^2=2/91$ df=2		$X^2=5/52$ df=2		$X^2=15/85$ df=2		$X^2=5/04$ df=2		$X^2=5/91$ df=2			

تعداد کل جامعه آماری ۲۹۲ نفر است. درصدهای محاسبه شده براساس تعداد کل پاسخ‌دهندگان هر دانشگاه است که این تعداد در جدول‌های ۱ و ۲ آمده است.

درصد)، پایان‌نامه‌ها (۴۳ درصد)، فیلم (۴۱ درصد)، فاکس، تلکس، پست الکترونیکی و سایر امکانات نوین مخابراتی (۳۶ درصد)، آمارنامه‌ها (۳۲ درصد)، نوارهای صوتی (۳۱ درصد)، میکروفرم‌ها (۲۶ درصد)، سایر (۸ درصد).

همچنین نتیجه آزمون مربع خی نشان می‌دهد که بین نیاز اعضای هیأت علمی به منابع اطلاعاتی در سه دانشگاه علوم پزشکی مذکور در مورد کلیه منابع ذکر شده در جدول تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/05$)

پرسش ۲. نیاز اعضای هیأت علمی به منابع اطلاعاتی به چه منظوری است؟

طبق جدول ۲ اعضای هیأت علمی در دانشگاه علوم پزشکی ایران به منابع اطلاعاتی بیشتر برای تحقیق (۶۵ درصد) و سپس به ترتیب اولویت برای تدریس (۵۵ درصد)، کسب اطلاعات جاری (۵۳/۵ درصد) و کار روزمره (۳۱ درصد) نیاز دارند. اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران به منابع اطلاعاتی بیشتر به منظور تحقیق (۷۶ درصد) و سپس به ترتیب جهت تدریس (۳۷ درصد)، کسب اطلاعات جاری (۳۲ درصد)، کار روزمره (۱۹ درصد) و سایر (۱ درصد) نیاز دارند^(۴). در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی اعضای هیأت علمی به منابع اطلاعاتی بیشتر برای تدریس (۷۳ درصد) و نیز به ترتیب برای تحقیق (۷۲ درصد)، کسب اطلاعات جاری (۵۷ درصد)، کار روزمره (۳۰ درصد)، و سایر (۴ درصد) نیاز دارند^(۵).

در بررسی مجدد جدول ۲ در می‌یابیم که نیاز به منابع اطلاعاتی برای تحقیق در دانشگاه علوم پزشکی تهران (۷۶ درصد) بیش از دو دانشگاه دیگر است. این نسبت در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی ۷۲ درصد و در دانشگاه علوم پزشکی ایران ۶۵ درصد است. نیاز به منابع اطلاعاتی برای تدریس به ترتیب اولویت در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی ۷۳ درصد، ایران ۵۵ درصد و تهران ۳۷ درصد است. نیاز به منابع اطلاعاتی برای کسب اطلاعات جاری در درجه اول در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (۵۷ درصد) وجود دارد و سپس دانشگاه علوم پزشکی ایران (۵۳/۵ درصد) و دانشگاه علوم پزشکی تهران (۳۲ درصد) قرار می‌گیرد. نیاز به منابع اطلاعاتی برای کار روزمره به ترتیب در دانشگاه علوم پزشکی ایران ۳۱ درصد، شهید بهشتی ۳۰ درصد و تهران ۱۹ درصد است. نیاز به منابع اطلاعاتی برای سایر امور در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی ۴ درصد، تهران ۱ درصد، و ایران صفر است. که هیچ کدام نیز نوع نیاز خود را ذکر نکرده‌اند.

جدول ۲ همچنین نشان می‌دهد که نیاز به منابع اطلاعاتی در دانشگاه‌های علوم پزشکی ذکر

شده بیشتر به منظور تحقیق (۷۲ درصد) است و در درجه دوم تا پنجم به ترتیب مربوط است به: تدریس (۶۶ درصد)، کسب اطلاعات جاری (۶۷ درصد)، کار روزمره (۲۶ درصد) و سایر (۲ درصد) است.

آزمون مربع خی نشان می دهد که میان دانشگاه های مورد نظر در مورد نیاز به منابع اطلاعاتی در کلیه موارد ذکر شده در جدول تفاوت معنی دار وجود دارد ($P < 0/05$).

پرسش ۳. مجراهای دستیابی اعضای هیأت علمی به منابع اطلاعاتی کدام است؟

بررسی جدول ۳ نشان می دهد که اعضای هیأت علمی هر سه دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، و شهید بهشتی برای دسترسی به منابع اطلاعاتی به ترتیب ۷۴ درصد، ۸۶ درصد و ۹۰ درصد بیشتر از کتابخانه استفاده می کنند و در درجه دوم اعضای هیأت علمی سه دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران و شهید بهشتی به ترتیب ۷۱ درصد، ۶۷ درصد و ۶۵ درصد از مجرای شخصی برای دستیابی به منابع اطلاعاتی استفاده می کنند و سایر (۶) مجراها برای دستیابی به منابع اطلاعاتی در درجه سوم اهمیت قرار می گیرند، به نحوی که در علوم پزشکی ایران صفر، علوم پزشکی تهران ۱۲ درصد و علوم پزشکی شهید بهشتی ۳ درصد است.

جدول ۳. توزیع فراوانی نسبت درصد مجراهای دستیابی اعضای هیأت علمی به منابع اطلاعاتی در سه دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، و شهید بهشتی*

سایر		کتابخانه		شخصی		مجراهای دستیابی نوع دانشگاه
نسبت (درصد)	تعداد	نسبت (درصد)	تعداد	نسبت (درصد)	تعداد	
۰	۰	۷۴	۵۲	۷۱	۵۱	علوم پزشکی ایران
۱۲	۱۳	۸۲	۸۷	۶۷	۷۱	علوم پزشکی تهران
۳	۴	۹۰	۱۰۳	۶۵	۷۵	علوم پزشکی شهید بهشتی
۶	۱۷	۸۳	۲۴۲	۶۷	۱۹۷	جمع
$X=13/57$ $df=2$		$X=12/03$ $df=2$		$X=0/85$ $df=2$		نتیجه آزمون

* تعداد کل جامعه آماری ۲۹۲ نفر است. درصدهای محاسبه شده براساس تعداد کل پاسخ دهندگان هر دانشگاه است که این تعداد در جدول های ۱ و ۲ آمده است.

از جدول ۳ همچنین در می‌یابیم که مجرای شخصی برای دستیابی به منابع اطلاعاتی بیشتر در دانشگاه علوم پزشکی ایران کاربرد دارد (۷۱ درصد) و سپس به ترتیب در دانشگاه علوم پزشکی تهران (۶۷ درصد) و شهید بهشتی (۶۵ درصد). کتابخانه به عنوان مجرای دیگر دستیابی به منابع اطلاعاتی در درجه اول در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (۹۰ درصد) و سپس تهران (۸۲ درصد) و ایران (۷۴ درصد) کاربرد دارد. سایر مجراهای دستیابی نیز در درجه اول در دانشگاه علوم پزشکی تهران (۱۲ درصد) و در درجه دوم در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (۳ درصد) کاربرد دارند. در مجموع هر سه دانشگاه علوم پزشکی برای دستیابی به منابع بیشتر از کتابخانه (۸۳ درصد) استفاده می‌کنند و مجرای دستیابی شخصی به منابع اطلاعاتی در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد (۶۷ درصد) و سایر مجراهای دستیابی درجه سوم را به خود اختصاص می‌دهند (۶ درصد).

نتیجه آزمون مربع خفی نشان می‌دهد که میان اعضای هیأت علمی سه دانشگاه مزبور در نوع مجرای دستیابی به منابع اطلاعاتی تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P < 0/05$).

پرسش ۴. مناسب‌ترین مجراهای دستیابی به منابع اطلاعاتی چیست؟

جدول ۴ نشان می‌دهد که اعضای هیأت علمی در هر سه دانشگاه دستیابی به منابع اطلاعاتی را از طریق کتابخانه مناسب‌ترین روش دانسته‌اند و این نسبت در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با ۸۸ درصد در اولویت بالاتری قرار دارد و پس از آن به ترتیب دانشگاه

جدول ۴. توزیع فراوانی نسبت درصد مناسب‌ترین مجراهای دستیابی اعضای هیأت علمی به منابع اطلاعاتی در سه دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران و شهید بهشتی

سایر		کتابخانه		شخصی		مناسب‌ترین مجراها نوع دانشگاه
		تعداد	نسبت (درصد)	تعداد	نسبت (درصد)	
نسبت (درصد)	تعداد	تعداد	نسبت (درصد)	تعداد	نسبت (درصد)	
۱۴	۱۰	۶۲	۸۷	۱۹	۲۷	علوم پزشکی ایران
۷	۷	۸۷	۸۲	۳۰	۲۸	علوم پزشکی تهران
۳	۳	۱۰۱	۸۸	۱۸	۱۶	علوم پزشکی شهید بهشتی
۴	۱۲	۲۵۰	۸۶	۶۷	۲۳	جمع
$X=3/52$ $df=2$		$X=1/98$ $df=2$		$X=5/8$ $df=2$		نتیجه آزمون

علوم پزشکی ایران (۸۷ درصد) و علوم پزشکی تهران (۸۲ درصد) قرار می‌گیرند. دستیابی به منابع اطلاعاتی از طریق شخصی به ترتیب اولویت به ترتیب در دانشگاه علوم پزشکی تهران (۲۸ درصد)، ایران (۲۷ درصد)، و شهید بهشتی (۱۶ درصد)، در درجه دوم اهمیت قرار دارد. همان طور که دیده می‌شود دانشگاه علوم پزشکی تهران به نسبت دو دانشگاه دیگر این مجرا را مناسب‌تر دانسته است. در مورد سایر مجراهای دستیابی نیز دانشگاه علوم پزشکی تهران در اولویت است و دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران و شهید بهشتی در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. در مورد سایر مجراها چنانکه اشاره شده است در دانشگاه علوم پزشکی ایران از ده نفر پاسخ‌دهنده هشت نفر مدلاین، یک نفر کنگره‌ها و یک نفر دوره‌های بازآموزی را به عنوان سایر مجراهای دستیابی به اطلاعات که می‌توانند مناسب باشند ذکر کرده‌اند. در دانشگاه علوم پزشکی تهران از هفت نفر پاسخ‌دهنده، دو نفر اینترنت و یک نفر مدلاین را به عنوان مجراهای مناسب دیگر برای دستیابی به منابع اطلاعاتی نام برده‌اند و چهار نفر باقی‌مانده مجراهای دستیابی مورد نظر خود را نام نبرده‌اند. در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی نیز که سه نفر پاسخ‌دهنده در ستون سایر داریم هیچ کدام نام دیگر مجراهای دستیابی را که مورد نظرشان بوده ذکر نکرده‌اند. همچنین می‌بینیم که در مجموع هر سه دانشگاه کتابخانه را مناسب‌ترین مجرای دستیابی به منابع اطلاعاتی معرفی کرده‌اند (۸۶ درصد) و دستیابی شخصی در درجه دوم (۲۳ درصد) و سایر مجراها در درجه سوم (۴ درصد) قرار می‌گیرد. نتیجه آزمون مرتب‌سازی نشان می‌دهد که میان اعضای هیأت علمی در سه دانشگاه مورد نظر در مورد مناسب‌ترین مجرای دستیابی به منابع اطلاعاتی تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P < 0/05$).

پرسش ۵. آیا منابع و مراکز اطلاعاتی موجود نیاز اعضای هیأت علمی را به منابع اطلاعاتی مرتفع می‌سازد؟

جدول ۵ نشان می‌دهد که نیاز اعضای هیأت علمی سه دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، و شهید بهشتی از سوی منابع اطلاعاتی موجود به‌طور متوسط تأمین می‌شود که نسبت آن در این دانشگاه‌ها به ترتیب عبارت است از: علوم پزشکی ایران (۶۸ درصد)، تهران (۶۴ درصد)، و شهید بهشتی (۵۸ درصد). جدول ۵ همچنین نشان می‌دهد که کمترین (۲۰ درصد) و بیشترین (۲۲ درصد) تأمین نیاز مربوط به دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی است. در مجموع جدول ۵ نشان می‌دهد که نیاز اعضای هیأت علمی هر سه دانشگاه به منابع اطلاعاتی به‌طور متوسط از سوی مراکز اطلاعاتی موجود تأمین می‌شود (۶۳ درصد).

نتیجه آزمون مربع خي نشان مي دهد که مي ان سه دانشگاه مذکور در ميزان تأمين نياز اعضاي هيأت علمي به منابع اطلاعاتي تفاوت معني دار وجود دارد ($P < 0/05$).

در سؤالات مطرح شده در پرسشنامه در ادامه اين سؤال از اعضاي هيأت علمي نظرخواهي شده بود که کدام يک از مراکز اطلاعاتي موجود نياز ايشان را به منابع اطلاعاتي بيشتر تأمين مي کنند. در زير مراکز نامبرده شده توسط ايشان به تفکيک دانشگاه علوم پزشکي ايران، تهران، و شهيد بهشتي آورده شده است. لازم به ذکر است که ترتيب قرار گرفتن نام اين مراکز با توجه به دفعات تکرار نام آنها از سوي اعضاي هيأت علمي آن دانشگاه علوم پزشکي خاص خواهد بود.

الف. ترتيب مراکز اطلاعاتي تأمين کننده نياز اعضاي هيأت علمي دانشگاه علوم پزشکي ايران

۱. کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی ایران.
۲. کتابخانه بیمارستان حضرت رسول (ص).
۳. کتابخانه های دانشگاهی و وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی.
۴. کتابخانه دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
۵. کتابخانه های شخصی.
۶. کتابخانه بیمارستان قلب شهيد رجايي.
۷. مرکز اطلاعات و مدارک علمي ايران.
۸. کتابخانه بیمارستان فيروزآبادي.

جدول ۵. توزيع فراواني نسبت درصد تأمين نيازهاي اطلاعاتي اعضاي هيأت علمي سه دانشگاه علوم پزشکي ايران، تهران، و شهيد بهشتي از سوي مراکز اطلاعاتي موجود

تأمين نياز		کم		متوسط		زياد		جمع	
نام دانشگاه		تعداد	نسبت (درصد)	تعداد	نسبت (درصد)	تعداد	نسبت (درصد)	تعداد	نسبت (درصد)
علوم پزشکي ايران		۱۸	۲۵	۴۸	۶۸	۵	۷	۷۱	۱۰۰
علوم پزشکي تهران		۲۲	۳۰	۶۸	۶۴	۶	۶	۱۰۶	۱۰۰
علوم پزشکي شهيد بهشتي		۲۳	۲۰	۶۷	۵۸	۲۵	۲۲	۱۱۵	۱۰۰
جمع		۷۳	۲۵	۱۸۳	۶۳	۳۶	۱۲	۲۹۲	۱۰۰
نتيجه آزمون		$X=1/64$ $df=2$		$X=0/67$ $df=2$		$X=14/2$ $df=2$			

۹. کتابخانه دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران.

تعداد ۳۷ پرسشنامه از مجموع ۷۱ پرسشنامه مربوط به دانشگاه علوم پزشکی ایران به این پرسش پاسخ نداده بودند.

ب. ترتیب مراکز اطلاعاتی تأمین‌کننده نیاز اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران

۱. کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی ایران.

۲. کتابخانه دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

۳. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

کتابخانه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران؛

سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران؛

وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی؛

کتابخانه دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران؛

کتابخانه‌های دانشگاهی.

۴. کتابخانه بیمارستان امام خمینی (ره).

۵. کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی؛

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران؛

۶. مرکز آمار ایران؛

وزارت نفت؛

مرکز تحقیقات مهندسی ژنتیک و تکنولوژی زیستی؛

وزارت علوم؛

کتابخانه مجلس شورای اسلامی؛

کتابخانه بیمارستان شریعتی؛

مرکز علوم پزشکی جانبازان؛

کتابخانه وزارت جهاد سازندگی؛

کتابخانه بیمارستان ولیعصر.

تعداد ۵۸ پرسشنامه از مجموع ۱۰۶ پرسشنامه مربوط به دانشگاه علوم پزشکی تهران به این

پرسش پاسخ نداده‌اند.

ج. ترتیب مراکز اطلاعاتی تأمین‌کننده نیاز اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید

بهشتی

۱. کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی ایران.
 ۲. کتابخانه بیمارستان امام حسین (ع).
 ۳. کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
 ۴. کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی تهران.
 ۵. کتابخانه بیمارستان کودکان مفید.
 ۶. کتابخانه دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
 ۷. سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران.
 ۸. کتابخانه‌های شخصی؛
- کتابخانه دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی؛
کتابخانه دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی؛
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛
کتابخانه‌های دانشگاهی؛
کتابخانه دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی؛
کتابخانه‌های بیمارستانی.

تعداد ۳۶ پرسشنامه از مجموع ۱۱۵ پرسشنامه مربوط به دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به این پرسش، پاسخ نداده‌اند.

جدول ۶. توزیع فراوانی نسبت درصد ضرورت ایجاد مرکزی واحد برای گردآوری اطلاعات از نظر اعضای هیأت علمی سه دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، و شهید بهشتی

جمع		خیر		بله		ضرورت ایجاد مرکز نام دانشگاه
نسبت (درصد)	تعداد	نسبت (درصد)	تعداد	نسبت (درصد)	تعداد	
۱۰۰	۷۱	۳	۲	۹۷	۶۹	علوم پزشکی ایران
۱۰۰	۱۰۶	۳	۳	۹۷	۱۰۳	علوم پزشکی تهران
۱۰۰	۱۱۵	۲	۲	۹۸	۱۱۳	علوم پزشکی شهید بهشتی
۱۰۰	۲۹۲	۲/۴	۷	۹۷/۵	۲۸۵	جمع
$X=۰/۳۹$ $df=۲$						نتیجه آزمون

چنانکه می‌بینیم در هر سه دانشگاه کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی ایران در تأمین نیاز اعضای هیأت علمی سه دانشگاه مزبور در اولویت قرار دارد.

همچنین در پرسشنامه‌ها از اعضای هیأت علمی درخواست شده بود که در مورد ضرورت ایجاد مرکزی واحد برای گردآوری اطلاعات پزشکی نظر دهند که جدول ۶ نتیجه آن است. چنانکه در جدول ۶ مشاهده می‌شود اعضای هیأت علمی سه دانشگاه به ترتیب اولویت علوم پزشکی شهید بهشتی (۹۸ درصد)، علوم پزشکی ایران و تهران (۹۷ درصد) با تشکیل مرکزی واحد برای گردآوری اطلاعات موافق هستند. و تنها در دانشگاه علوم پزشکی ایران و تهران (۳ درصد) و شهید بهشتی (۲ درصد) با این امر مخالف می‌باشند. آزمون مرتب خن نیز نشان می‌دهد که در بین اعضای هیأت علمی سه دانشگاه مذکور برای تشکیل مرکزی واحد جهت گردآوری اطلاعات تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($P < 0/05$).

در هر سه دانشگاه اعضای هیأت علمی محل تشکیل این مرکز را در اولویت اول یکی از کتابخانه‌های دانشگاهی دانسته‌اند.

نتیجه‌گیری

۱. اعضای هیأت علمی در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران و تهران به ترتیب با ۹۳ درصد و ۸۹ درصد بیشتر به کتاب نیازمند هستند و میکروفرم‌ها به ترتیب با ۲۱ درصد و ۲۵ درصد کمتر مورد نیاز اعضای هیأت علمی دو دانشگاه مذکور است و در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با ۹۱ درصد به مقاله بیشتر نیز دارند و به آمارنامه‌ها با ۲۳ درصد کمترین نیاز را دارند.

از دیدگاهی دیگر جدول‌ها نشان می‌دهد که آمارنامه‌ها (۴۱ درصد)، پایان‌نامه‌ها (۴۹ درصد)، دورنویس، تلکس، پست الکترونیکی و سایر امکانات نوین مخابراتی (۴۱ درصد)، گزارش‌های تحقیقات خارجی (۸۶ درصد)، گزارش‌های تحقیقات داخلی (۶۱ درصد)، سایر (۱۴ درصد) نیازهای اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران است. کتاب (۹۳ درصد)، نرم‌افزارهای رایانه‌ای مثل مدلاین (۸۳ درصد) بیشتر در دانشگاه علوم پزشکی ایران؛ و فیلم (۴۶ درصد)، میکروفرم‌ها (۳۰ درصد) و نوارهای صوتی (۷۹ درصد) در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بیشتر مورد نیاز است. در کل در هر سه دانشگاه کتاب (۹۰ درصد) در درجه اول و مقاله (۸۷ درصد) در درجه دوم اهمیت قرار دارند.

۲. اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران و شهید بهشتی به منابع اطلاعاتی

بیشتر برای تدریس به ترتیب با نسبت‌های ۵۵ درصد و ۷۳ درصد نیاز دارند و در دانشگاه علوم پزشکی تهران به منابع اطلاعاتی بیشتر جهت تحقیق (۷۶ درصد) نیاز دارند. در عین حال جدول‌ها نشان می‌دهد که نیاز به منابع برای تدریس و کسب اطلاعات جاری با نسبت‌های ۷۳ درصد و ۵۷ درصد در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بیش از سایرین است و نیاز به منابع اطلاعاتی برای کار روزمره در دانشگاه علوم پزشکی ایران با ۳۱ درصد نسبت به دو دانشگاه دیگر در اولویت است. که در مجموع در هر سه دانشگاه مورد نظر اعضای هیأت علمی منابع اطلاعاتی را بیشتر برای تحقیق (۷۲ درصد) لازم دارند.

۳. اعضای هیأت علمی در هر سه دانشگاه برای دستیابی به منابع اطلاعاتی به ترتیب: دانشگاه علوم پزشکی ایران (۷۴ درصد)، علوم پزشکی تهران (۸۲ درصد) و علوم پزشکی شهید بهشتی (۹۰ درصد) همگی از کتابخانه بیشتر استفاده می‌کنند. مجرای شخصی برای دستیابی به منابع اطلاعاتی بیشتر از سوی دانشگاه علوم پزشکی ایران (۷۱ درصد) مورد استفاده است. به طور کلی در مجموع هر سه دانشگاه علوم پزشکی مذکور از کتابخانه (۸۳ درصد) برای دستیابی به منابع اطلاعاتی بیشتر استفاده می‌کنند.

۴. اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های مورد بررسی به ترتیب با نسبت‌های ۸۷ درصد، ۸۲ درصد و ۸۸ درصد کتابخانه را به عنوان مناسب‌ترین مجرای دستیابی معرفی کرده‌اند.

۵. نیاز اعضای هیأت علمی در هر سه دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران و شهید بهشتی به ترتیب نسبت‌های ۶۸ درصد، ۶۴ درصد و ۵۸ درصد به طور متوسط از سوی مراکز اطلاعاتی مرتفع می‌شود. کمترین (۲۰ درصد) و بیشترین (۲۲ درصد) تأمین نیاز مربوط به دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی است. در مجموع نیاز اعضای هیأت علمی هر سه دانشگاه به منابع اطلاعاتی به طور متوسط ۶۳ درصد از سوی مراکز اطلاعاتی موجود تأمین می‌گردد. و مرکزی که بیش از سایر مراکز نیاز اعضای هیأت علمی هر سه دانشگاه علوم پزشکی را به منابع اطلاعاتی مرتفع می‌سازد کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی ایران است.

همچنین اعضای هیأت علمی هر سه دانشگاه در رابطه با تشکیل مرکزی واحد برای گردآوری اطلاعات متفق‌القول بودند و یکی از مراکز دانشگاهی را (البته بدون ذکر نام) برای این منظور مناسب دانسته‌اند.

پیشنهادات

۱. نظر به نتایج حاصل از پژوهش می‌بینیم که علی‌رغم ورود تکنولوژی نوین اطلاع‌رسانی

به کشور ما، نیاز اعضای هیأت علمی به این امکانات کم بوده و اعضای هیأت علمی همچنان برای رفع نیازهای اطلاعاتی خود به منابع چاپی (کتاب و مقاله) متکی هستند. این در حالی است که اعضای هیأت علمی اکثراً در نظرخواهی که از ایشان شده بود معتقد به لزوم افزایش و گسترش این گونه خدمات بودند. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که علت این تناقض در نتیجه پژوهش و نظر اعضای هیأت علمی، همگانی نبودن این امکانات است و نیز اینکه بسیاری از اعضای هیأت علمی از جایگاه ارائه این خدمات آگاهی ندارند. به عبارت دیگر تبلیغات برای مراکزی که دارای این خدمات هستند به اندازه کافی نیست. پس قبل از هر چیز باید مراکز اطلاع‌رسانی موجود به محققان معرفی شده و سپس در همین راستا اقدام به گسترش آنها گردد.

۲. با توجه به اینکه اعضای هیأت علمی برای رفع نیازهای اطلاعاتی خود استفاده از کتابخانه‌ها را نسبت به سایر مجراهای دستیابی ترجیح می‌دهند، پیشنهاد می‌شود نسبت به فراهم کردن امکانات مالی و غیرمالی برای کتابخانه‌ها و تجهیز این مراکز برای ارائه خدمات به اعضای هیأت علمی توجه بیشتری گردد. همچنین در این راستا باید ارتباط میان کتابخانه‌ها و ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی پیوسته را در درجه اول ساماندهی کتابخانه‌ها قرار داد.

۳. با توجه به تغییرات روزافزون در امر اطلاع‌رسانی و به تبع آن منابع اطلاعاتی پژوهش‌های این‌چنینی استمرار یافته و در راستای آن نسبت به بهبود کیفیت و کمیت منابع اطلاعاتی اقدام گردد.

۴. آموزش کتابداران و اطلاع‌رسانان از مهم‌ترین اموری است که گسترش علم اطلاع‌رسانی آن را ضرورت بیشتری بخشیده و در همین راستا باید به امر بازآموزی نیز توجه بیشتری شود. ■

یادداشت‌ها

۱. بوری سلطانی، ویرایشگر. خدمات فنی، ویرایش هفتم (تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱)، ص ۱۷.
۲. در دانشگاه علوم پزشکی تهران تعداد ۱۵ نفر پاسخ‌دهنده در ستون سایر وجود دارد که تنها ۲ نفر از ایشان نام منبع مورد نظر خود را ذکر کرده‌اند و آن عبارت است از یک نفر Internet و یک نفر سمینار.
۳. در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تعداد ۹ نفر پاسخ‌دهنده در ستون سایر وجود دارد که از این تعداد فقط یک نفر به اسلاید به عنوان منبع دیگری که مورد نیاز او است اشاره کرده است و بقیه ذکری از نوع منبع مورد نیاز خود نکرده‌اند.
۴. در دانشگاه علوم پزشکی تهران تعداد یک نفر پاسخ‌دهنده در ستون سایر داریم که ایشان نامی از نوع نیازشان

به منابع اطلاعاتی به جز آنچه در جدول وجود دارد نبرده‌اند.

۵. در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تعداد ۵ نفر پاسخ‌دهنده در ستون سایر داریم که هیچ کدام نامی از نوع نیاز خود به منابع اطلاعاتی به جز آنچه در جدول وجود دارد ذکر نکرده‌اند.

۶. در دانشگاه علوم پزشکی تهران تعداد ۴ نفر در ستون سایر پاسخ‌دهنده داریم که از این تعداد یک نفر مکاتبه و یک نفر همکاران را به عنوان مجرای دیگر بازیابی نام برده‌اند و ۲ نفر دیگر نامی از مجرای دستیابی خود نبرده‌اند. در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تعداد ۴ نفر پاسخ‌دهنده در ستون سایر داریم که از این تعداد یک نفر به همکاران و یک نفر به مکاتبه به عنوان دیگر مجرای دستیابی به منابع اطلاعاتی اشاره کرده‌اند و ۲ نفر دیگر نامی از نوع مجرای دستیابی خود نبرده‌اند.